

محرمیت در اهدای جنین از نظر فقه مذاهب اسلامی

نرجس حشمتی فر^۱، لیلا ربیعی نسب^۲، احمد مظفری^۳، محسن ولایتی^{۴*}

تاریخ دریافت: 98/5/19

تاریخ پذیرش: 98/10/8

تاریخ انتشار: 98/12/14

مقاله‌ی مروری

چکیده

ناباروری، یکی از مشکلات اساسی برخی زوج‌ها در طول تاریخ بوده است؛ اما پیشرفت‌های علمی دهه‌های اخیر و ارائه‌ی روش‌های نوین، تا حدی زیاد، این مشکل را حل کرده است. یکی از این روش‌ها، اهدای جنین به زوج‌های نابارور است که در آن، اسپرم و تخمک زوج‌های قانونی و شرعی، در محیط آزمایشگاه، تلقیح شده و جنین حاصل، به زوج‌های قانونی و شرعی دیگر اهدا می‌شود. نظرات موافق و مخالف فقهای معاصر در خصوص مسائل شرعی اهدای جنین، مردم و پزشکان را با تردید مواجه ساخت؛ تاجایی که قوه‌ی مقننه، قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوج‌های نابارور را در سال ۱۳۸۲ به تصویب رساند. این قانون در زمان خود بسیار راهگشا بود؛ اما با توجه به نگارش مختصر آن، نواقصی هم دارد؛ برای مثال، وضعیت محرمیت کودک تولد یافته از اهدای جنین، مشخص نشده است. در این مقاله، با استفاده از کتب طراز اول فقه و حقوق شیعه و مقالات این حوزه و همچنین، با استناد به مواد قانونی و تطبیق آن با آرای فقها، به بررسی فقهی محرمیت در اهدای جنین پرداخته شده است. با جمع‌بندی نظرات موافقان و مخالفان حوزه‌ی اخلاق پزشکی و آرای فقها و قوانین کشور، محرمیت مادر صاحب رحم به طفل ثابت شد؛ همچنین، معلوم شد در چنین نمونه‌هایی، همه‌ی احکام رضاع اجرا می‌شود و پدر (شوهر زن صاحب رحم) نیز، با رعایت شروطی، محرم خواهد شد.

واژگان کلیدی: اهدای تخمک، اهدای جنین، رحم اجاره‌ای، فقه، محرمیت

1. کارشناسی ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، سبزوار، ایران.
2. کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران.
3. دکتری جنین‌شناسی - سلولی تکوینی، استادیار گروه آموزشی بهداشت، دانشکده‌ی علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران.
4. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار گروه آموزشی الهیات، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران.

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه: سبزوار، مجتمع دانشگاه آزاد سبزوار، گروه آموزشی الهیات، تلفن: ۴۱۴۴۲۴۷۱ (۰۵۱).

Email: nheshmatifar@yahoo.com

مقدمه

ناباروری، یکی از مشکلات اساسی برخی زوج‌ها در طول تاریخ بوده است؛ در سال‌های اخیر، عواملی نظیر تغییر نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی، تأخیر در سن ازدواج، تغییر در سن داشتن فرزند، افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری از باروری، آزاد شدن سقط جنین و وضعیت نامطلوب اقتصادی، ناباروری‌های ناشی از عوامل زیست‌محیطی باعث کاهش میزان فرزندآوری در کشورهای صنعتی شده است (۱). بر اساس آمارهای جهانی، تقریباً، هشتاد میلیون زوج نابارور در سراسر جهان وجود دارند. بنابر آمار سازمان جهانی بهداشت^۱، حدود ده تا پانزده درصد از زوج‌ها در جهان با مشکل نازایی مواجه‌اند. از گذشته تاکنون، برای رفع ناباروری تلاش‌هایی متعدد انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که در کاغذهای پایپروس به‌جای‌مانده از تمدن مصر باستان، روش‌های متعدد درمان ناباروری یافته شده است (۲).

پیشرفت‌های علمی در چند دهه‌ی اخیر، تا حدی زیاد، این مشکل را حل کرده و دریچه‌های امید را به روی زوج‌های نابارور گشوده است؛ همچنین، زوج‌های نابارور نیز، با محدودیت قانونی برای استفاده از این فناوری‌ها روبه‌رو نیستند. از روش‌هایی که امروزه برای درمان ناباروری مقبولیتی زیاد یافته، استفاده از اسپرم، تخمک و جنین اهدایی است. در ایران نیز، استفاده از روش اهدای جنین رواج یافته است. در این روش، جنین انتقالی، حاصل از لقاح تخمک و اسپرم زوج دیگر است.

اهدای جنین در موارد زیر انجام می‌شود:

- مشکل ناباروری مربوط به مرد باشد و مرد به دلیل کم‌نطفگی^۲ یا بی‌نطفگی^۳، توانایی باروری نداشته باشد

1. WHO: World Health Organization
2. Oligospermia
3. Azoospermia

(۳)

- زنی که دارای رحم است؛ اما تخمدان‌هایش به لحاظ یائسگی زودرس، تخمک تولید نمی‌کنند.
 - زنی که برای درمان سرطان، عفونت لگن یا عفونت دیواره‌ی داخلی رحم، تخمدان‌هایش برداشته شده یا به واسطه‌ی شیوه‌ی درمانی، از کار افتاده است.
 - زنی که به دلیل بیماری ارثی، مثل سندرم ترنر با تخمدان‌های غیرفعال به دنیا آمده یا تخمدان‌هایش تحریک‌پذیر نیستند (۵و۴).
 - زوجی که در معرض خطر اختلال ژنتیکی فرزندان‌شان باشند؛ مثلاً زنی که ناقل بیماری‌های وابسته به جنس، مانند هموفیلی و هانتینگتون، است (۷و۶).
- طبق ماده‌ی ۱ قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوج‌های نابارور، مصوب ۱۳۸۲، همه‌ی مراکز تخصصی ناباروری دارای صلاحیت، مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در آن قانون، برای انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی، به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آن‌ها (هر یک یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام کنند؛ البته، پس از موافقت کتبی زوج صاحب جنین؛ باین‌حال، هنوز ابعاد مختلف قانونی این موضوع برای همگان روشن نیست.
- مسئله‌ی وراثت و اینکه رحم جایگزین و اهدای تخمک طفل، دقیقاً، به صاحب نطفه ملحق می‌شود یا اهداکننده‌ی تخمک یا زن دارای رحم جایگزین، همچنان محل اختلاف است. نظرات موافق و مخالف فقهای معاصر درخصوص مسائل شرعی این روش، مردم و پزشکان را مردد ساخت؛ قانون مصوب سال ۱۳۸۲ نیز، با توجه به نگارش مختصر آن، نواقصی دارد؛ برای مثال، وضعیت حریمیت کودک تولد یافته از اهدای جنین مشخص نشده است (۸). به‌علاوه، در این قانون بر محرمانه‌ماندن اهدای اسپرم یا جنین تأکید شده است

که این نیز، به تأملی بیشتر نیاز دارد.

این مطالعه، به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی انجام شد. هدف از انجام آن مطالعه این بود که با استفاده از آیات قرآن کریم، با ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند و کتب طراز اول فقه و حقوق شیعه و مقالات این حوزه و همچنین، با استناد به مواد قانونی و تطبیق آن با آرای فقها، مسأله‌ی مربوط به محرمیت جنین اهدایی را بررسی و ضمن شرح و توضیح چند قاعده‌ی فقهی، مشخص کنیم طفل حاصل از اهدای جنین، به چه کسانی محرم است.

نسب

«نسب» از نظر لغت، به معنی قرابت و علاقه و رابطه‌ی بین دو شیء است و در زبان فارسی، آن را نژاد گویند (۹). سیدحسن امامی، «نسب» را این گونه تعریف کرده است: «نسب به معنی قرابت و خویشاوندی است و امری است که به واسطه‌ی انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید و از این امر، رابطه‌ی طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد» (۱۰). منظور ما از نسب در این بحث، رابطه‌ی پدر- فرزند و مادر- فرزند است.

محرمیت

«حرام»، ممنوع بودن چیزی را گویند؛ این ممنوعیت یا به تکلیف الهی یا قهری است یا از نظر عقلی و شرعی است؛ همچنین، این ممنوعیت می‌تواند از سوی کسی باشد که امرش پذیرفته می‌شود (۱۱). «محارم» به معنای حرمت است و آنچه که شکستن آن جایز نباشد (۹). مراد از محرم کسی است که نکاح او از نظر نسب یا رضاع، حرام باشد (۱۲).

با توجه به اینکه در فرایند اهدای جنین، اسپرم و تخمک در محیط آزمایشگاه با یکدیگر ترکیب می‌شوند، گاهی در این روش ملاحظه شده است که اسپرم، به خودی خود و بی‌نیاز به عملی دیگر، قادر است که به داخل تخمک نفوذ کند؛ اما گاهی اوقات، نفوذ اسپرم داخل تخمک توسط لقاح خارج رحمی

انجام می‌گیرد (۱۳). فقهای معاصر شیعه در این باره اظهار داشته‌اند: انتقال اسپرم و تخمک تلقیح‌نشده به رحم زن متقاضی اهدای جنین، خلاف موازین اخلاقی و شرعی محسوب می‌شود و اگر زن به این امر هم رضایت داشته باشد، حکم ممنوعیت، کماکان، باقی است؛ اما روش غالب در این فرایند، این گونه است که تخمک و اسپرم در خارج از رحم، تلقیح و بارور شده باشد (۱۴-۱۶). درباره‌ی جواز یا عدم جواز اهدای جنین، نظر فقها به سه دسته تقسیم می‌شود:

- اهدای جنین مطلقاً جایز نیست؛ اعم از آنکه بین صاحب تخمک و اسپرم، رابطه‌ی زوجیت باشد یا نباشد.
- اهدای جنین، مطلقاً جایز است.
- اگر بین صاحب تخمک و صاحب اسپرم، رابطه‌ی زوجیت باشد، این عمل مجاز است؛ در غیر این صورت، جایز نیست (۱۷).

مادر کیست؟

تا قبل از پیشرفت‌های علمی و پزشکی اخیر، در پیوند با تلقیح مصنوعی و امکان انتقال جنین، این سؤال که چه کسی مادر بچه است، هرگز، محل اختلاف نبود. واژه‌ی «مادری» آن‌چنان بدیهی می‌نمود که اصلاً، تعریف نمی‌شد و فرض بر آن بود زنی که بچه‌ای را به دنیا آورده، مادر بچه است؛ اما با پیشرفت‌های پزشکی و وقوع پدیده‌ای به نام «مادر جانشین»، جواب‌دادن به این پرسش که چه کسی مادر بچه است، دیگر به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. نظام‌های مختلف حقوقی، همگی، سعی دارند به‌نحوی به این سؤال پاسخ دهند (۱۸).

نظریه‌ی مادر بودن زن صاحب تخمک

منشأ به‌وجود آمدن جنین، دو سلول جنسی نر و ماده است؛ ولی سلول تخمک، علاوه بر کروموزوم‌های هسته‌ای، دارای عوامل ژنتیکی و اپی‌ژنتیکی سیتوپلاسمی خاص خود است و بر وراثت جنین و طفل رحمی، آثاری ویژه دارد؛ لذا، از آنجاکه جنین از تخمک زن صاحب تخمک به وجود آمده است؛

تغذیه‌ی این کودک که پس از این مرحله صورت می‌گیرد، تنها سبب رشد کودک می‌شود و هیچ نقش دیگری ندارد (۲۴).

اگر حمل درحالی‌که علقه یا مضغه یا بعد از دمیدن روح است از رحم زنی به رحم زنی دیگر منتقل شود و در رحم این زن رشد کند و متولد شود، آیا فرزند زن اولی است یا دومی؟ بی‌شبهه، در صورتی‌که بعد از کامل شدن خلقت او و دمیده شدن روح به او باشد، فرزند زن اول است؛ کم‌اینکه اگر بیرون آورده شود و در رحم مصنوعی قرار بگیرد و در آن تربیت شود، اشکالی در آن نیست؛ اما اگر قبل از آن، درحالی‌که مثلاً، مضغه است، بیرون آورده شود، در آن اشکال است؛ البته، اگر ثابت شود که نطفه‌ی زوجین منشأ بچه است، ظاهر آن است که به آن‌ها ملحق می‌شود، خواه به رحم زنی منتقل شود یا به رحم مصنوعی (۲۵).

خلاصه این نظر در حقوق ایران وجود دارد که عرف، طفل را فقط به صاحب تخمک ملحق می‌کند و اطلاعات موجود علم پزشکی درباره‌ی نقش رحم، داوری عرف را دگرگون نمی‌سازد. کودک، در واقع، محصول تخمک زن است و باید به او ملحق گردد؛ در نتیجه، مادر ژنتیکی، مادر قانونی است.

نقد نظریه‌ی مادر بودن زن صاحب تخمک

نظریه‌ی مادر بودن زن صاحب تخمک با ایرادهای زیر مواجه شده است:

- جنین بدون استفاده از رحم زن، تکوین‌پذیر نیست؛ بلکه اگر رحم در کار نباشد و سلول‌های جنسی زن و مرد در خارج از رحم، تلقیح شده و به‌طور آزمایشگاهی، تا تولد او در خارج از رحم رشد و نمو پیدا کند، در این صورت، مبنای قراردادن تخمک، صحیح خواهد بود.

- ملاک مادر بودن از دیدگاه عرف و به‌ویژه عرف عام، به‌وجود آمدن کودک از تخمک زن نیست؛ در نگاه عرف، به‌ویژه در زمان‌های گذشته و صدر اسلام و زمان نزول قرآن

همانند زناشویی طبیعی، مادر واقعی طفل، زن صاحب تخمک است و زن صاحب رحم، به دایه‌ای می‌ماند که مولود حاصل از خون و ژن دیگری را پرورش می‌دهد؛ اعم از اینکه این پرورش جنین در رحم او یا خارج از رحم او باشد؛ زیرا نگهداری جنین در رحم، همانند نگهداری کودک پس از تولد اوست و زن صاحب رحم نیز که طفل از تخمک او به وجود نیامده، نمی‌تواند مادر حقیقی طفل باشد؛ بنابراین، بین زن صاحب رحم و طفلی که متولد می‌شود، نسب قانونی و شرعی برقرار نمی‌شود (۱۹).

بر اساس فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای، بچه متعلق به مرد و زن صاحب نطفه است (۲۰). آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز، فرموده‌اند: «فرزند، متعلق به صاحبان نطفه است؛ ولی ارث‌بردن ولد از صاحب نطفه محل اشکال است» (۲۱). آیت‌الله مکارم شیرازی هم فتوا داده‌اند که استفاده از نطفه‌ی بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد؛ ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است و به مادری که در رحم او کشف شده نیز، محرم است، بی‌آنکه از او ارث ببرد (۲۲). آیت‌الله صانعی هم نظر مذکور را پذیرفته و قائل به مادر بودن زن صاحب تخمک هستند؛ لیکن، ایشان پدر بودن مرد صاحب نطفه را در صورتی پذیرفته‌اند که از نطفه‌ی خود، اعراض نکرده باشد (۲۳).

ملاک مادر بودن از دیدگاه عرف، همانند ملاک پدر بودن است و آن اینکه نخستین مرحله‌ی آفرینش کودک از آب مادر است. بر این اساس، وقتی فرض بر این باشد که نطفه‌ی این کودک که آغاز آفرینش او نخستین جزء وجود اوست، از لقاح دو آب به دست می‌آید، همین آفریده‌ی نخست، نخستین مرحله‌ی وجود کودک است؛ بنابراین، نخستین مرحله‌ی وجود کودک از صاحبان منی و تخمک گرفته شده است و حتی نطفه‌ی کودک از دو جزء ترکیب یافته که هر کدام از این دو جزء، به یکی از صاحبان منی و تخمک وابسته است؛ اما

عده‌ای که معتقدند زن صاحب رحم، مادر قانونی طفل است، به برخی آیات قرآن و نظر تعدادی از مراجع تقلید استناد می‌کنند که در ادامه، به آن‌ها اشاره می‌شود. قرآن^۱ (۲۷)، زن صاحب رحم را مادر می‌داند و می‌گوید مادر کسی است که فرزند از او متولد شده و از زمان انعقاد نطفه، دوران بارداری و دوران کودکی، متحمل مشقت شده است؛ پس هر کس که بچه را به دنیا بیاورد، مادر اوست.

بعضی مثل مرحوم اراکی معتقدند، درست است که نطفه‌ی زن صاحب تخمک به رحم زن دوم داخل شده؛ ولی رحم زن دومی، علت تامه‌ی به دنیا آمدن بچه بوده است؛ پس اولاد، ملحق به دومی، یعنی زن صاحب رحم، است (۲۸). آیت‌الله خوئی نیز، برای اثبات این نظریه، به آیه‌ی دو سوره‌ی مبارکه‌ی مجادله^۲ استناد کرده‌اند. ولادت از نظر عرف و از دید علمای لغت، به دنیا آوردن طفل و خروج او از رحم مادر است؛ بنابراین، مادر فقط زنی است که جنین را در رحم داشته و کودک از وی متولد شده است؛ حتی اگر صاحب تخمک نیز نباشد. از آنجاکه قرآن کریم، بیان اراده‌ی الهی است و از طرف حکیم قادر مطلق نازل شده و از هر گونه تردید و اجتهاد و احتجاج مبراست، دیگر هیچ دلیلی در مقابل نص صریح آن‌که مادر را متولدکننده‌ی طفل می‌داند، پذیرفته نیست (۲۴).

نکته‌ای مهم که باید درباره‌ی مفاد آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الْآلِيَّ وَوَلَدْتُهُمْ» مبنی بر مادربودن زن صاحب رحم به آن توجه کرد، این است که در زمانی که امکان تولد یک طفل از رحم یک زن و از تخمک زن دیگر وجود نداشته است، این آیه نمی‌توانسته برای تعیین مادر با رویکرد ملینظر پژوهش حاضر نازل شده باشد؛ زیرا شأن نزول این آیه‌ی شریفه، دفع

کریم که عرف از وجود تخمک و تکون کودک از آن، اطلاعی نداشت، حمل و ولادت کودک و بارداری آن تا تولد، بیشتر مد نظر بوده است. شاید به این دلیل بوده که در آیات و روایات نیز، واژه «ام» واژه‌ای عام‌تر از «والده» (مادر) است که در قرآن به معانی مختلفی آمده است: مادر حقیقی، اصل و پایه، معظم و مرکز چیزی و جهنم. استفاده‌ی قرآن از واژه‌ی «والدات» به جای «ام»، نشان از این دارد که خداوند در آیه‌ی مذکور، به مادر حقیقی کودک، یعنی کسی که او را به دنیا آورده است، اشاره دارد؛ همچنین، ام به معنای عام شامل دایه نیز بوده است (۲۶).

- تأثیر رحم در خلقت کودک، صرف تغذیه و رشد کودک نیست و اگر تأثیر آن بیشتر از تخمک نباشد، دست‌کم کمتر از آن نیست. امروزه، کمتر کسی است که تأثیر رحم، تغذیه، استراحت و رفتار زن صاحب رحم را در تکون کودک و سلامتی و شخصیت آینده‌ی او انکار کند و هر روز، اخباری تازه از اکتشافات جدید دانشمندان، درخصوص تأثیر زن صاحب رحم و مراقبت‌های دوران بارداری او بر کودک به گوش می‌رسد (۲۴).

نظریه‌ی مادربودن زن صاحب رحم

با توجه به انتقادات وارد بر نظریه‌ی اول، گروهی دیگر از دانشمندان بر این باورند که احکام اختصاصی مادر را باید به زن صاحب رحم مترتب کرد؛ زیرا تخمک، تعدادی سلول جنسی آزاد شده در دوره‌ای از طهارت زن است که توسط تخمدان او آزاد می‌شود و در صورت وجود سلول جنسی نر، ممکن است فقط یکی از چند تخمک زن با آن لقاح یابد و جنین را تشکیل دهد و بقیه‌ی تخمک‌ها، خودبه‌خود، از بین می‌روند و دفع می‌شوند؛ در واقع، تخمک‌ها، به‌خودی خود و بدون رحم، توان تشکیل جنین و طفل رحمی را ندارند. این رحم است که زمینه را برای باروری تخمک با اسپرم مرد فراهم می‌کند و پس از تشکیل دادن جنین، رشد آن را تا تبدیل شدن به نوزادی کامل ممکن می‌سازد (۲۴).

1. «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الْآلِيَّ وَوَلَدْتُهُمْ»: مادران آن‌ها، تنها، کسانی‌اند که آنان را زاده‌اند (مجادله، 2).

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»: انسان را درباره‌ی پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد (احقاف، 15).

2. «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الْآلِيَّ وَوَلَدْتُهُمْ» (مجادله، 2).

فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴ تا ۱۲) (و همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم. پس آنگاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه، علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس، بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم؛ پس از آن خلقتی دیگر انشا نمود. آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده) (۲۷). در این آیات، مراحل مختلف خلقت انسان و رشد و نمو او از خاک تا انسان کامل شدن و رجعت دوباره‌ی او به خاک، به‌نحوی روشن، بیان شده است. اگر از هفت مرحله‌ی پیدایش انسان کامل، پنج مرحله در رحم تحقق می‌یابد، چگونه می‌توان به نقش چشمگیر رحم توجه نکرد و صاحب رحم را مادر تلقی نکرد؟ از این رو، در صورت تردید در مادر بودن انحصاری یکی از دو زن صاحب تخمک و صاحب رحم، مادر بودن صاحب رحم، دلایلی محکم‌تر و پذیرفتنی‌تر دارد. عرف نیز، زن صاحب رحم را که کودک را در بطن خود پرورش داده و سپس، به دنیا آورده است، به‌عنوان مادر می‌شناسد (۲۴).

تحول نطفه به علقه، علقه به مضغه و مضغه به استخوان، تحولی غیر از چیزی است که در اسپرم و تخمک وجود دارد و این تحول عظیم، علاوه بر تحولات و رشد جسمی، به اعطای روح اشاره دارد. در همین مرحله‌ی اعطای روح است که جنین به انسان کامل تبدیل می‌شود و از آن به بعد، دیه‌ی انسان کامل را دارد و حتی قتل عمدی آن موجب قصاص است (۳۰). عبارت ماده‌ی ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی نیز، بر اهمیت جنین و انسان، بعد از رشد آن در رحم، دلالتی روشن دارد. این ماده که منشأ فقهی دارد و از نظرات مشهور فقهای امامیه اخذ شده است، تصریح می‌کند که «اگر در اثر جنایت، چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد، دیه و ارث ندارد» (۲۴).

نقش رحم از نظر علم پزشکی امروز نیز، صرفاً، ظرف

توهم برخی از اعراب جاهلی بوده که زنان خود راظهار می‌کردند و بعد ازظهار، بر این عقیده بودند که زوج‌ی آنها مادرشان است. در واقع، آیه‌ی پیش‌گفته، این توهم اعراب جاهلی را از بین برد و مقرر کرد که زن باظهار شوهرش، مادر او نمی‌شود و زوج، همان زوج است و مادر نمی‌شود و مادر نیز کسی است که انسان را مولود کرده و به وجود آورده است (۲۹).

مرحوم آیت‌الله خویی از جمله فقیهانی بوده‌اند که نظریه‌ی مادر بودن زن صاحب رحم را ارائه داده‌اند؛ اما برخی دیگر از فقیهان، همانند آیت‌الله سیستانی در منهاج الصالحین و آیت‌الله بهجت، قائل به احتیاط در مادر بودن صاحب نطفه یا صاحب رحم هستند (۲۹).

نقش رحم از دیدگاه کتاب و سنت و علم پزشکی

مادرندانتن زن صاحب رحم، مغایر با موازین فقهی و حقوقی و عرفی به نظر می‌رسد. اکنون نیز، به‌صورت کوتاه و گذرا، نقش رحم را از دیدگاه کتاب و سنت و علم پزشکی بررسی می‌کنیم. در خصوص مادر فرزندی حاصل از اهدای جنین، نظریه‌ی مادر بودن زن صاحب رحم، دلایلی قوی‌تر و محکم دارد. بد نیست در اینجا به برخی از آیات و روایاتی که به تأثیر و نقش رحم در تکون طفل اشاره یا تصریح دارند، اشاره‌ای مختصر داشته باشیم:

خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی شش، می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (خداست آن‌که می‌نگارد صورت شما را در رحم مادران، هر گونه اراده کند. جز آن ذات یکتا نیست که به هر کار خواهد تواند و به همه چیز داناست) (۲۷). در این آیه اگرچه خدای متعال، تصویر و صورتگری انسان و کیفیت آن را به خواست و اراده‌ی الهی مبتنی ساخته است، آن را با قید «يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ» آورده که به اهمیت و نقش رحم اشاره دارد.

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً»

حقیقت ولادت، نشو ماده‌ای از ماده‌ای دیگر است. این امر، گاه، به حسب اصل کاشت بذر و گاه، در مرحله‌ی بقا و تکامل جسمی از ماده‌ای دیگر است؛ لذا، صاحب تخمک که ماده‌ی اصلی پیدایش جنین را فراهم کرده و صاحب رحم که در رشد طفل، نقشی بیش از مادر رضاعی دارد، هر دو، مادر طفل‌اند؛ به‌سختن دیگر، عنوان مادری در هر دو زن وجود دارد، به همین علت، می‌توان احکام مادری را بر هر دو آن‌ها مترتب کرد (۳۳).

زن صاحب رحم

در روند اهدای جنین، مصلحت کودک اقتضا می‌کند به کسانی ملحق شود که خواهان تولد وی‌اند و او را فرزند خود به شمار می‌آورند؛ بنابراین، مادری بودن زن صاحب رحم، به واقع نزدیک‌تر است (۳۴)؛ همچنین، با توجه به اصل حاکمیت اراده، سیر تکون قانون نحوه‌ی اهدای جنین، سوابق قانون‌گذاری در سایر کشورها و تجربه‌ی کشورهای دیگر، به نظر می‌رسد که زن صاحب رحم که متقاضی بچه‌دار شدن است، مادر طفل محسوب خواهد شد. از نظر روانی و اجتماعی و رعایت مصلحت فرزند حاصل نیز، باید فرزند ناشی از اهدای جنین را متعلق به دریافت‌کنندگان جنین دانست؛ همچنان که درباره‌ی فرزندخواندگی، این طرز تفکر تقویت شده و قوانین بسیاری از کشورها نیز، آن را پذیرفته است.

به نظر می‌رسد دلایل فقهی و پزشکی درباره‌ی اینکه زن صاحب رحم، مادر باشد، قوی‌تر است؛ اما به‌هرحال، نمی‌توان نقش زن صاحب تخمک را که منشأ اصلی پیدایش جنین است، نادیده گرفت. با توجه به نظرات بعضی از فقهای عظام که مادر را زن صاحب تخمک می‌دانند، می‌توان محرمیت زن صاحب تخمک را به طفل متولدشده، ثابت کرد؛ اما آن دسته از فقها که زن صاحب رحم را مادر نمی‌دانند چه؟ حال که قانون نحوه‌ی اهدای جنین به زوج‌های نابارور تصویب شده است، باید محرمیت طفل حاصل را نیز، ثابت کرد؛ پس

تغذیه برای جنین نیست؛ بلکه جنین بدون رحم، امکان رشد ندارد. پیشرفت‌های علم پزشکی، به‌ویژه در زمینه‌ی شبیه‌سازی، این نکته را ثابت کرده که به‌دنیا آمدن موجودی جدید، مثل انسان، حتی بدون نطفه نیز امکان‌پذیر است؛ اما بدون رحم، امکان رشد و تولد جنین وجود ندارد. جنین قبل از لانه‌گزینی در رحم، همانند توده‌ای سرطانی، قادر به جایگزینی در هر بخشی از بدن است؛ اما در صورت جایگزینی در هر بخش از بدن، به غیر از رحم، نه‌تنها امکان رشد تا تبدیل شدن به یک انسان را نخواهد داشت، بلکه موجب تخریب بخش‌های جایگزین شده نیز خواهد شد (۳۱).

یکی از نقش‌های اساسی رحم، آماده‌سازی خود برای پذیرش جنین، آن هم در زمانی خاص است. در این زمان است که رحم، محتویات ژنتیکی جنین را که ترکیبی از سلول جنسی مادر و شخصی دیگر است، به جای دفع کردن، جذب و با تغذیه‌ی آن، به رشد و تکوین آن کمک می‌کند. جنین حاصل از تخمک زن دیگر، در رحم زن پذیرنده از بیگانگی ایمنی شناختی بیشتری برخوردار است؛ لذا، اصولاً، انتظار این است که سیستم ایمنی بدن زن پذیرنده، آن را دفع کند؛ اما حکمت الهی، رحم را به‌گونه‌ای خلق کرده که این بافت جنینی بیگانه را می‌پذیرد و تغذیه تا به نوزاد تکوین می‌یابد؛ بنابراین، رحم را نمی‌توان، صرفاً، ظرف رشد و نمو جنین تلقی کرد؛ بلکه منطقی است که در انتساب طفل حاصل، به زن صاحب رحم، تردید نشود (۳۲).

به اعتقاد عده‌ای از فقها، طفل حاصل از اهدای جنین، دو مادر دارد: یکی صاحب تخمک و دیگری صاحب رحم. در تولید مثل، سه رکن اساسی اسپرم و تخمک و رحم مؤثر است. همان‌گونه که صاحب اسپرم، به‌صورت طبیعی، پدر محسوب می‌شود، صاحب تخمک و صاحب رحم نیز، مادر طفل‌اند. در چنین حالتی، اگر صاحب تخمک و صاحب رحم یکی باشد، همان مادر است و اگر صاحب رحم، فردی غیر از صاحب تخمک باشد، هر دو آنان، مادر خواهند بود؛ زیرا

است که ده بار شیردادن موجب حرمت نمی‌شود؛ زیرا ده بار شیردادن، گوشت نمی‌رویاند و استخوان را محکم نمی‌کند. این روایت، به صراحت، علت محرمیت در شیردادن را رویش گوشت، افزایش خون و استحکام استخوان طفل می‌داند (۳۶). زنی که از نطفه‌ی او کمک گرفته شده است، مادر حقیقی بچه حساب می‌شود و مادری که او را شیر داده و نه ماه در رحم خود نگهداری کرده، قطعاً، مادر رضاعی او به شمار می‌آید و منافاتی ندارد که مادر حقیقی انسان، یک زن و مادر رضاعی او زنی دیگر باشد.

این مطلب با احکام رضاع نیز ثابت می‌شود؛ زیرا اگر احکام رضاع با شیردادن و رویش گوشت و استخوان از شیر ثابت شده باشد، با پرورش نطفه در رحم و رشد و نمو جنین در مدت نُه ماه، بر طریق اولی، ثابت خواهد شد (۳۷). دلیل محرمیت این است که وقتی در باب رضاع، اگر بچه ۲۴ ساعت شیر بخورد، محرم می‌شود، در اینجا که همه‌ی پوست و گوشت و استخوانش از مادر جانشین است، به طریق اولی، محرم است (۳۸).

پدر جنین اهدایی

قانون ایران در خصوص نسب طفل حاصل از اهدای جنین، ساکت است و به حکم اصل ۱۶۷ قانون اساسی، برای روشن شدن هویت طفل حاصل، ناگزیر از مراجعه به فتاوی معتبر فقها هستیم. نظرات ارائه شده از جانب فقها و دیگر اندیشمندان، در این خصوص، متفاوت است و از جمع‌بندی تئوری‌های ارائه شده از طرف آنان، می‌توان به این نتیجه رسید که در خصوص هویت پدر طفل حاصل از اهدای جنین، دو نظریه‌ی اصلی مطرح شده است؛ مطابق نظریه‌ی اول، طفل حاصل، ملحق به مرد صاحب نطفه است؛ اما طبق نظریه‌ی دوم، شوهر زن صاحب رحم، پدر قانونی و شرعی فرزند محسوب می‌شود، اگرچه نطفه‌ی فرزند، متعلق به مردی دیگر باشد.

نظریه‌ی پدر بودن مرد صاحب نطفه

شایسته است به قاعده‌ی رضاع هم پرداخته شود.

قاعده‌ی رضاع

«حرام است بر شما تزویج مادرهایتان و دخترهایتان و خواهرهایتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادران و دختران خواهرتان، و آن مادران که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی‌تان و مادر زن‌هایتان و دختران زن‌هایتان که با آن‌ها نزدیکی کرده‌اید و همسران پسرانتان که از صلب شما هستند»^۱ (۲۷).

دسته‌ای از روایت‌های شیعه و سنی در باب قاعده‌ی رضاع، این جمله‌ی معروف و مشهور را از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (۱۳).

بنا به بیان محقق داماد، عقیده‌ی شیخ انصاری این است که مقصود از نسب در حدیث نبوی، فقط نسبین محرم و محرم علیه نیست؛ بلکه مراد از نسب، اعم است و هم نسبی را که بین محرم و محرم علیه وجود دارد، شامل می‌شود و هم نسبی را که بین محرم و زوجه‌ی محرم علیه است، در بر می‌گیرد؛ برای مثال، همان‌طور که نکاح با مادر حرام است، نکاح با مادرزن نیز حرام است؛ زیرا مادرزن، مادر زوجه محسوب می‌شود و داخل در نسب است؛ همچنین، فردی که شخص با او زنا کرده یا آن‌که مورد وطی به شبهه واقع شده و نیز پسری که با او وطی شده نیز، ملحق به زوجه است؛ بنابراین، مادر این افراد هم داخل در نسب می‌شود و چنانچه نظیر یکی از این موارد، به واسطه‌ی رضاع، حاصل شده باشد، بنا بر حدیث نبوی، حکم حرمت شامل آن‌ها نیز می‌شود؛ برای مثال، همچنان که مادر زوجه بر شخص حرام است، مادر رضاعی او هم بر او حرام خواهد بود (۳۵).

در صحیح‌ه‌ی علی بن رثاب از امام صادق (ع) روایت شده

1. «حُرْمَتُ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ أَخْوَانِكُمْ وَ عَمَّاتِكُمْ وَ خَالَاتِكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخْوَانِكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ - إِلَى - وَ خَالَاتُ آبَائِكُمْ» (نساء، 23).

زوجین پذیرنده، محرز و مسلم است، مطابق قاعده‌ی فراش، در انتساب طفل به شوهر زوجین دریافت‌کننده‌ی جنین، نباید هیچ تردیدی به خود راه داد؛ زیرا انتساب طفل حاصل به شوهر زن صاحب رحم، کاملاً، با قاعده‌ی فراش منطبق است (۳۷). قاعده‌ی فقهی فراش، از جمله قواعد معروف فقه است که در بین فقیهان شیعه و سنی پذیرفته شده و بسیار به آن استناد می‌شود.

حریمیت اهداکنندگان

مردی که صاحب منی است و نطفه از این منی به وجود آمده، پدر این کودک است؛ چنان‌که زنی که صاحب تخمک است و نطفه از این تخمک آفریده شده، مادر این کودک به شمار می‌آید. ناگزیر، احکام مادری و پدری بر این دو و احکام خویشاوندی بر سایر کسانی که به‌وسیله‌ی آن دو، با کودک نسبت دارند، مترتب می‌شود؛ به‌عنوان مثال، اولاد پدرومادر، برادران و خواهران این کودک مصنوعی و پرورش‌یافته در خارج مهبل هستند. برادران و خواهران این دو نیز، عموها و عمه‌ها یا دایی‌ها و خاله‌های این کودک به شمار می‌آیند (۳۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده، می‌توان گفت که پدرومادر نسبی کودک حاصل از اهدای جنین، همان صاحب اسپرم و صاحب تخمک هستند. با قاعده‌ی فراش، حریمیت شوهر زن صاحب رحم ثابت نمی‌شود؛ زیرا قاعده‌ی مزبور در جایی به کار می‌رود که شبهه به وجود آمده باشد و در اینجا، شبهه‌ای نیست و مشخص است که طفل از نطفه‌ی اجنبی است. بر طبق قاعده‌ی رضاع، حریمیت مادر به طفل، ثابت و هم‌همی احکام رضاع نیز، جاری می‌شود؛ یعنی این طفل از مادر رضاعی، صاحب پدربزرگ، مادربزرگ رضاعی و همچنین، خاله و دایی رضاعی است؛ ولی نسبت به حریمیت شوهر زن صاحب رحم، طفل، ریبیه‌ی شوهر محسوب می‌شود و به شرط دخول به این زن، بر طفل، محرم مؤبد می‌شود و این

فتوای برخی از فقهای معاصر را در پاسخ به این سؤال که فرزند حاصل از اهدای جنین یا تلقیح مصنوعی، منسوب به چه کسانی است، عیناً نقل می‌کنیم:

آیت‌الله بهجت معتقدند «طفل، مال صاحب نطفه است». بنا بر فتوای آیت‌الله خامنه‌ای نیز، طفل متعلق به مرد و زن صاحب نطفه است. بر اساس نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی، در فرض مزبور، کودک، ملحق به شوهر زن نمی‌شود، بلکه ملحق به مرد صاحب نطفه است. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز، بیان می‌دارند که طفل مال شوهر زن نیست و ملحق به صاحب نطفه است؛ ولی به شوهر آن زن، محرم است (۳۹).

مبنای نظر این عده از فقهای محترم، ظاهراً، روایت اسحاق‌بن‌عمار و دلالت آن بر انتساب عرضی طفل به صاحب نطفه است. اسحاق‌بن‌عمار از امام‌صادق(ع) نقل می‌کند که هرگاه مردی با همسرش جماع کند و سپس آن زن با کنیزی مساحقه کند که در اثر نفوذ اسپرم از زن به کنیز، آن کنیز باردار شود، فرزند ناشی از آن، به مرد صاحب نطفه ملحق می‌شود (۳۶).

با توجه به روایت مذکور و برخی اخبار دیگر، مشهور فقهای امامیه، انتساب اشخاص به همدیگر را فقط از راه خون ممکن دانسته‌اند. قانون مدنی ایران نیز، به تبعیت از نظر مشهور فقهای امامیه، برقراری نسب از راه خون را پذیرفته و حتی در صورتی که نزدیکی بین دو یا چند شخص، بدون رابطه‌ی زوجیت شرعی، اما از روی شبهه صورت گرفته باشد، باز هم قائل به تحقق نسب قانونی است (۴۰).

نظریه‌ی پدربودن شوهر زن صاحب رحم

قانون فراش

طبق «قانون فراش»، در صورت وجود رابطه‌ی نامشروع بین زن شوهردار با مرد اجنبی و حاملگی آن زن در مدت نزدیکی، فرزند حاصل، به شوهر زن یعنی همسر شرعی منسوب می‌شود، نه به مرد زانی. درباره‌ی انتقال جنین نیز که زن و شوهر پذیرنده، متقاضی جنین هستند، رابطه‌ی بین

تقدیر و تشکر

مقاله‌ی حاضر، حاصل پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد فقه و حقوق پژوهشگر، در دانشگاه آزاد سبزوار است و پژوهشگر، بدین‌وسیله، از مسئولان این دانشگاه که به شکل‌گیری این پژوهش یاری رساندند، تشکر و سپاسگزاری می‌کند.

محرمیت، از طریق مصاهره است؛ بنابراین، طفل مذکور، با پدرومادر و خواهر و برادرهای این مرد، محرم نمی‌شود.

منابع

- 1- Van Den Akker OB. Coping, quality of life and psychological symptoms in three groups of sub-fertile women. *Patient Educ Couns.* 2005; 57(2): 183-9.
- 2- Ki Ch, Rebar S. Infertility, assessment and treatment. Translated by MO Karimzadeh Mibudi. Yazd: Specialized Hospital Women and the Birth and Sterility Publication; 1993.
- 3- Beskil S, Gorgy A, Venkat G, Craft IL, Edmonds K. Gestational surrogacy: A feasible option for patients with rokitansky syndrome. *Hum Reprod.* 2000; 15(11): 2326-8.
- 4- Meniru GI, Craft IL. Experience with gestational surrogacy as a treatment for sterility resulting from hysterectomy. *Hum Reprod.* 1997; 12(1): 51-4.
- 5- Razieli A, Schachter M, Strassburger D, Komarovskiy D, Ron-El R, Friedler S. Eight years' experience with an IVF surrogate gestational pregnancy programme. *Reprod Biomed Online.* 2005; 11(2): 254-8.
- 6- Carp HJ, Dirnfeld M, Dor J, Grudzinskas JG. ART in recurrent miscarriage: Preimplantation genetic diagnosis screening or surrogacy?. *Hum Reprod.* 2004; 19(7): 1502-5.
- 7- Brinsden PR. Gestational surrogacy. *Hum Reprod.* 2003; 9(5): 483-91.
- 8- Larijani B, Zahedi F. Ethical and religious aspects of gamete and embryo donation and legislation in Iran. *Journal of Religion and Health.* 2007; 46(3): 399-408.
- 9- Sayyah A. Dictionary, or, the great modern culture of the traveler. Translated by al-munjid (with additions) from Arabic to Persian. Tehran: Islamic Publications; 1998(4).
- 10- Emami H. [Hoghoogh Madani]. Vol 1. Tehran: Darokotob Eslamieh; 2006. [in Persian]
- 11- Raghebe Esfahani H. [Mofradat Alfaze Ghoran]. Damascus: Dar Al-elm; 1991. [in Arabic]
- 12- Mirza Qomi. [Ghamea Alshat Fi Ajvbh Alshalat]. Tehran, Keyhan, 1993, vol. 4, p. 408 [in Arabic]
- 13- Alizadeh L, Merghati ST, Amani Samani R. Donation combination, renting womb and parents-child rights. *Medical Ethics and History of Medicine.* 2010; 3(1): 12-20. [in Persian]
- 14- Safi Kolpayekani L. Full of the provisions of the book. Qom: Islamic Studies Institutions Publication; 1990.
- 15- Golpayegani M. The book to explain questions juratory. Qom: Dar Al Qoran Al Karim Publication; 1992.
- 16- Khamenei SA. The mirror medical reasoning. Qom: Ansariyan Publication; 2003.
- 17- Haji Azizi B, Ghafazizal S. Study of the status of inherited inheritance from artificial insemination after the death of the sperm (father) from the legal and legal point of view. *Private Law Research.* 2015; 3(8): 121-36. [in Persian]
- 18- Nayeb-Zadeh A. Review of modern methods of artificial reproduction. Tehran: Scientific and Cultural Association Majd; 1996. [in Persian]
- 19- Afshar L, Bagheri A. Embryo donation in Iran: an ethical review. *Developing world bioethics.* 2013; 13(3):119-24. [in Persian]
- 20- KHamanei Seied Ali: Resal-eie Ajvie Al-esteftaat, Iran, Tehran: international press of Al-hoda, 15th edition, 2009. [in Persian]
- 21- Golpayegani Safi Lotfollah, Iran, Qom, Publication Office Of Ayatollah Safi Golpiayani, 2006, [in Persian]
- 22- Makarem Shirazi N, Aliyan Nejadi N. [Ahkame Pezeshki]. Qom: Madreseh Imam Ali Ibne Abitaleb; 1998. [in Persian]
- 23- Sanei Youssef, Judicial Esteftaat, Iran, Tehran, Mizan, 2006, vol. 2, p. 1323, [in Persian]
- 24- Faizollahi N. Embryo donation and other methods of assisted reproductive rights. Tehran: Jungle Publishingprinting; 2005. [in Persian]
- 25- Khomeini R. [Tahrir ul-Vassileh]. Vol 4. Tehran: Maktbh Islamiyah; 1988.
- 26- Ibn Hammad, Al-Jawhari AN. 1987. Taj al-Lugha WA Sihah al-Arabiya, Volume (1)p.43[in Arabic]
- 27- Holy Quran. Translated by Elahi Ghomshei M. Tehran: Hafeze Novin; 2002.
- 28- Araki Mohammed Ali, [Toziho al-Masael]. Iran, Tehran, 1990. [In Persian]
- 29- Forouzan Far Mojtaba, Mazrovei Rasul. Some of the rules and regulations of artificial fertilization and child born of it. [A set of jurisprudential advisory theories in legal affairs], Iran, Qom: Publication khza; 2005. [in Persian]
- 30- Basiri Hamid Reza, Gohari Maryam, Akrami Mohammad. Study and analysis of human sex

cells (gametes) from the perspective of the Quran. Edinburgh University Press on behalf of the Centre for Islamic Studies at the School of Oriental and African Studies. Quranic Studies Journal (AFAQ) Religion. 2016; No. 26. [in Arabic]

31- Safari Fard A, Rivandi S, Akrami M. [Akhlagh-e Pezeshki dar Azmayeshgah Tashkhis Tebbi]. Journal of Medical Council of Iran. 2013; 31(1): 50-60. [in Persian]

32- Ghorbani F, Akhvian MA, Rezaei E. The decree of embryo donation from the perspective of Islamic Jurisprudence. Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility. 2012; 15(29): 25-37. [in Persian]

33- Behjati-Ardakani Z, Karoubi MT, Milanifar A, Masrouri R, Akhondi MM. Embryo donation in Iranian legal system: A critical review. Journal of Reproduction & Infertility. 2015; 16(3): 130-44. [in Persian]

34- Khodaparast AH, Sharifi S, Milanifar AR, Ardekani ZB. The moral problems of embryo donation. Journal of Reproduction & Infertility.

2011; 12(2): 31-9. [in Persian]

35- Mohaghegh-Damad SM. [Qava'ed-e Fiqh: Bakhsh-e Madani (The Rules of Islamic Jurisprudence, Civil Section)]. Tehran: Markaz-e Nashr-e "Olum-e Daneshgahi; 2001.

36- Malekzadeh Fahimeh. Artificial Insemination from the Theological Legal Point of View, Iran, Tehran, Family Law and Jurisprudence Journal [Neda Sadegh]. Volume 13, Issue 48, winter and spring 2019, Pages 76-90. [in Persian]

37- A group of researchers under the supervision of Shahroudi, Mahmoud Hashemi Sayed, culture and religion of Ahlul Bayt according Jurisprudence, Iran, Qom, Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute, ,2004. [In Persian]

38- Momen Mohammad. Talk about inoculation, Iran, Qom, Ahlul-Beit Jurisprudence Magazine No. 4, 1995. [In Persian]

39- Roshan M, Hamdollahi A. Affiliation of the child born via surrogacy. Islamic Law Research Journal. 2012; 9(28): 127-201.

40- Horre Amoli M. [Tafsil Vasael al- Shie]. Qom: al- Albeyt; 1409. [in Arabic]

Jurisprudential Investigation on the Confidentiality of Embryo Donation

Narjes Heshmati far¹, Leila Rabie Nasab², Ahmad Mozafari Join³, Mohsen Velayati^{*4}

¹ Master of Nursing, Department of Nursing, Faculty of Nursing and Midwifery, Sabzevar University of Medical Sciences, Sabzevar, Iran.

² Master of jurisprudence and Islamic law, Department of Theology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sabzevar Branch, Sabzevar, Iran.

³ Ph.D Developmental Cell Embryology, Assistant Professor of Health Education, Faculty of Medical Sciences, Islamic Azad University, Sabzevar Branch, Sabzevar, Iran.

⁴ PhD of Jurisprudence and Islamic law, Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sabzevar Branch, Sabzevar, Iran.

Abstract

Infertility has been the main problem of infertile couples in history. However, infertility is solved with modern methods' in recent decades. Embryo donation is one of the methods to infertile couples. In this method, sperm and oocyte of legal and religious couples are inoculated in the lab and the fetus is given to other legal and religious couples. However, people and doctors have doubts to agree or disagree with the views of contemporary jurists. Then, the legislature passed the law of donating embryos to infertile couples in 2003. Although at the time, this law was very useful. However, there are shortcomings because of the brief writing of the law. The child's confidentiality to the fetus has not been determined. In this paper, the rights of Shia jurisprudence books and their adaptation to the opinions of the jurists articles regarding the confidentiality of the embryo donation are discussed. Concluding different opinions from medical ethics and jurisprudential comments and laws, confidentiality of the mother's womb to the child was proved. All provisions of the foster mother also runs. The confidentiality of the father will also be accepted according to several conditions.

Keywords: Oocyte donation, Embryo donation, Rental uterus, Jurisprudence, Confidentiality

* Corresponding Author: nheshmatifar@yahoo.com